

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن رحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاه على سيدنا و مولانا ابوالقاسم محمد اللهم صل على محمد و على آله الطيبين
الطاهرين معصومين لعنت الله على اعدائهم اجمعين

من می خواهم در ظرف این چند دقیقه ارائه بدم که ان شاء الله در آینده خطه البحثي بشه و مسئله را به فال نیک
می گیریم توجه هم حوزه علمیه مشهد و حضرت آیت الله فاضل لنکرانی و ارائه تفکرات مرحوم امام خمینی
رحمت الله علیه.

بحثی که من دارم در واقع سیر تطور مسائل سیاسی فقهی و اینکه فقه امام رحمت الله علیه بزرگترین ویژگی
اون همین سیاسی بودنشه و حکومتی یا به تعبیر درست حکومتی بودن شاید قدمای ما در دوره های قبل خیلی
احساس این نمی شد که به مسائل حکومتی بپردازد ما اولین فقیهی که تقریباً مسائل حکومتی را مطرح کرد
ابوالصلاح حلبی متوفیای ۴۴۸ در کتاب الکافی ایشان به لحاظ اینکه اهل حلب بود رفت و آمد به شام داشت
و در شام حکومت شیعی مستقر بود اون سیف الدوله حمدانی و دیگران اونجا حکومت داشتند بعضی مسائل
حکومتی را نیازمند حتی در دوره بعد شام در حکومت اونقدر نیازمند شد که محمد بن قیّم جوزیه نامه ای
نوشت و ازش تقاضا کرد که در باب حکومت برای ما کتاب بنویس با اینکه اهل سنت بود و او کتاب الطرق
الحکمیّه را که بیشتر قضاوت های امیرالمؤمنین علیه السلام و قاعده های برخاسته از قضاوت های امیرالمؤمنین
بود در جواب اون والی شام به هر حال علمای اهل سنت در اینکه وارد مباحث فقهی سیاسی شدند تقدم دارم
در ما که این قابل انکار نیست چون درگیر حکومت بودند.

بزرگان ما در دوره های بعد به هر حال مرحوم شهید اول رحمت الله علیه بسیار رگه های سیاسی خوبی و
حکومتی خوبی در فقه داره به لحاظ اینکه در شام ایشان درگیر مسائل حکومتی و شیعه و سنی بود در ولی
دوره ای که مسائل حکومتی خودش را نشون داد دوره صفویه که اولین جهش های علمی در نوشته های مرحوم
محقق کرکی متوفی ۹۴۰ مخصوصاً در جدال های علمی، جدال های علمی که بین مرحوم کرکی رحمه الله علیه
و فاضل رحمه الله علیه فاضل لطیفی مردی بود که خود را به شدت از سیاست دورنگه می داشت و فقها روهم
پرهیز می داد و شاید تز فکری اش این بود که دین کلاً از سیاست جدا است به هر حال در این جهت باید بحث
بشه من فکر می کنم باید چندپایان نامه واقعاً در وجه تمایزات فکری فاضل لطیفی رحمه الله علیه و مرحوم
محقق کرکی رحمه الله علیه نوشته بشه که اینها جدالشان بر سر چه بود دراون ارج نامه، ارج نامه استاد رضا
استادی یک مقاله ای را ترجمه می کنند از یک نویسنده غربی میگه جدال بر سر کرسی قدرت بود؛ ولی این
باید واقعاً برای غیر ما شیعیان روشن بشود.

غربی‌ها وقتی که به بحث‌های علمی ما نگاه می‌کنند نوعی نگاه جدال‌آمیز مجادله‌آمیز مرا آمیز دشمن‌شکن و نظر به دشمن دارند؛ یعنی خیال می‌کنند فقیه مقابل دشمنه در حقیقت و او را باید از رده قدرت خارج کرد درحالی‌که این‌طوری نیست بحث‌های علمی بزرگان ما همه بحث‌های علمی بوده رساله‌های زیادی که در باب وجوب نماز جمعه و ردیه باز ردیه، ردیه نوشته شد در باب خراج ردیه بر خراج باز ردیه بر ردیه خراج نوشته شد.

به نظر من دوره صفویه بهترین دوره برای نقد و بررسی آراء تفکرات سیاسی بوده که هنوز در جمهوری اسلامی ایران من معتقدم اون فضای باز سیاسی که در دوره صفویه بود در دوره جمهوری اسلامی ایران فراهم نبود در دوره جمهوری اسلامی ایران حالا من حداقل ممکنه مرا متهم بکنید به این کلمه ما تحمل نظریه‌های مخالف را نداشتیم؛ ولی فقهای بزرگ دوره صفویه و شاهان صفویه تحمل نظریه‌های مخالف را داشتند میدان می‌دادند به فقهای مخالف که به وضوح و روشنی رساله می‌نوشتند و استقبال می‌کردند همین جریان خراج جریان نماز جمعه جریان‌های مثلاً مراوده‌ای با کشورهای کفر کشورهای دیگه اینها چیزهایی بود که در دوره صفویه خیلی رشد کرد

به هر حال ما باید در حوزه‌های علمیه هم به فقه دوره صفویه یک نگاه جدیدی داشته باشیم نوعاً نگاهی به فقه دوره صفویه به عقیده من از منظر عبادات درحالی‌که از منظر فقه سیاسی نمی‌شود؛ یعنی واقعاً مباحث عمده سیاسی در دوره صفویه خیلی قوی برگزار شده و هم کسانی که مدعی بودند هم کسانی که منتقد بودند؛ یلان فقهی نظریات خودشون را به وضوح بیان می‌کردند.

دوره بعد که خوب باوجود جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی ایران الحمدلله کلید خورد خیلی مسائل واقعاً جای خودش را باز کرد به نظر مبارک امام که یک تابلویی بر فقه ایشان حاکم بود و اینکه فقه ما از گهواره بلکه از قبل از گهواره تا بعد از زمان فوت بلکه بعد از فوت بالاخره مسائل دنیا و اخرای اخروی انسان‌ها را در نظر گرفته و نگاه ایشان به فقه نگاه جزئی نبود نگاه فردی تنها نبود؛ بلکه نگاه سیاسی برداشتی که ایشان از روایات داشت همون سیاسی بود مثال را زدن استاد شما به شرح حاشیه مرحوم آیت‌الله عظمی آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی رحمه‌الله علیه مراجعه کنید هفت قول در همین مسئله بیع سلاح ایشان ذکر خودشونم بعد از اینکه اقوال دیگه را نقد می‌کنند باز یه قول دیگه یه قولی ارائه ولی مرحوم امام می‌فرماید این میدان، میدان اقوال نیست اینجا اصلاً ممکنه جای فقیه نباشد که فقیه اینجا نظر بده حاکم مهمه که حاکم بینه مصلحت جامعه اسلامی چه اقتضا می‌کند یا من یک مثال دیگه اضافه کنم در بحث خرید و فروش مثلاً انگور و عنب و چوب لیعمل خمرا و لیعمل سلبانا در اونجا ایشان عبارت خیلی جالبی داره که ابن ادریس از

این جور عبارت‌ها تعبیر می‌کند به اصول مذهب این کلمه اولین بار تو عبارت ابن ادریس به‌کاررفته بعد در عبارات شهید ثانی به‌عنوان قواعد کلی شریعت آمده در عبارات مرحوم صاحب جواهر با مذاق فقه آمده و در عبارت امام خمینی رحمت‌الله علیه به‌عنوان روح فقه آمده اگر ما سیر تطور این تعبیراتی که در حقیقت حکایت می‌کند از اندرون یه فقه و به اینکه فقیه در حقیقت به قول یک نویسنده عربستانی ما کار نداریم به‌هرحال نویسنده ممکن است دیگران باشه ولی تعبیر خیلی تعبیر جالبیه کتابی نوشته به‌عنوان حجب الفتوا می‌گه خیلی وقت‌ها جلوی فقیهان را حجاب‌هایی رو حجاب یعنی این فقیه در یک محیط هست در یک فضایی هست با یک عده اطراف خاصی اینو بهش گرا میدن فتوا ولی یک فقیه که ممکنه در یک فضای دیگه‌ای باشه من همیشه برای رفقا در تاریخ فقه و فقها که مثال می‌زنم اینکه بیه در فکر یک فقیه تأثیر داره شافعی را مثال می‌زنم میگم شافعی دوتا فقه داره فقه قدیم و فقه جدید فقه قدیمش در بغداد بود وقتی رفت به تمدن مصر را دید از زمین تا آسمان فتاواش فرق کرد؛ یعنی بازه فکری جدید که برای فقیه پدید میاد در فتاواش تأثیر داره و من معتقدم چون بازه فکری امام خمینی مسئله سیاست حاکم بوده در حقیقت این خیلی تأثیرگذار در فقه بوده.

من می‌خواهم از فرصت خودم استفاده کنم و یک دغدغه‌ای که همیشه دارم عرض کنم اون دغدغه خودم را بازم با فرمایش امام خمینی از کتاب البیع که اینجا ما برای آرا و نظریات و رجالی امام خمینی کنفرانس دادم عزیزان من واقعاً سروران عزیز من گفتم ما طلبه‌ها را وقتی که رشد میدیم الان اگر غیر اینه شما به من بگید و مرا راهنمایی اگر غیر این نیست یک تصمیمی بگیرید من جدی واقعاً این دغدغه را دارم ما وقتی به شرح لمعه می‌رسیم کلام طلبه‌های ما شرح لمعه و از شرح لمعه شهید ثانی خط می‌گیرند شهید ثانی هم مبنای وثوق سندی داره و مدام روایات را نقد یعنی طلبه ما تا آخر شرح لمعه یک فکر تو ذهنش جا می‌افته که من باید اعتبارزدایی حدیث در مدنظر من باشه لذا این به بالای منبرم سرایت می‌کند فردا به جامعه الان تا یک حدیثی را بالای منبر می‌خوانی می‌ای پایین آقا شغلش مثلاً فرض می‌کنیم راننده تریلی رو تو بیابان می‌گه سند این روایت را بگو خب میگم شما محمد بن ابی عمیر و دیگران را که شما نمی‌شناسید می‌گه نه اول بایدسندش یعنی این مسئله برای ما طلبه‌ها جافتاده که اعتبارزدایی بعدشم در درس خارج، سوء تفاهم نشه ما نوعاً از آراء فقهای که فکرشون وثوق صدوری یعنی به قرائن توجه می‌کنند به قول آیت‌الله عظمی آقای بروجردی بر حسب نقل آیت‌الله عظمی آقای فاضل لنکرانی می‌فرمایند ایشان می‌فرماید توثیقی که از تجمیع قرائن استفاده میشه به‌مراتب بالاتر است از توثیقی که از نص رجالی استفاده میشه بعد ما میایم در دوره‌های بعدم میان در واقع همون نظریات فقهای که روایات را همش دارن غربال می‌کنند را مطرح می‌کنیم طلبه دیگه آخرین حرفش همینه پایه فکر مگر طلبه برای شما چند سال تو حوزه می‌تونید نگه می‌دارید به‌زور ۶ سال بعد به‌زور

یعنی سال آخر دیگه به زور نمره رو می گیرد میره این آقا فکرش اینه که میگه حدیث باید تا جایی که ما بتونیم اعتبارزدایی کنیم.

درحالی که امام خمینی رحمت الله علیه در کتاب البیع جلد ۳ بحث وقف یک عبارتی را مرحوم شیخ نقل می کند ایشان می فرماید ما به مصادر اولیه که مراجعه کردیم این عبارت اصلاً در میراث حدیثی ما نیست میگه از کجا این مطلب برای شیخ پدیدآمده که شیخ یک جمله ای را بنویسه بعد فقهای ما بیان همش فکر کنن توجیه نقد کنند ایراد کنن اونجا میارن دیگه تو حواشی مکاسب شما برید مراجعه کنید کلی دعوا سراین جمله است مرحوم امام می فرماید این آفت و این مصیبت از زمانی آغاز شد که در حوزه های علمیه ما حدیث خوانی ورافتاد قدمای ما و متأخرین ما تا دوره های مثلاً به تعبیر من شیخ بهایی و صفویه آخرهای مرحوم علامه مجلسی اینا قرائت حدیث استاد بر شاگرد، شاگرد بر استاد داشتند بلاغ داشتن غیر ذالک داشتن ولی از وقتی که علم اصول این عین تعبیر امامه از وقتی که علم اصول در حوزه های علمیه وقت را پرکرده و فقه گسترده شد و حدیث خوانی در حوزه های علمیه ما برافتاد متأسفانه تحریف و تصحیف به روایات و به درس های ما راه پیدا کرد به این جور که الان من مثلاً ملاحظه می کنیم این نتیجه شد.

منظور این بود در واقع که من نظرم اینه که در تطور واقعاً عالی ترین منهجی که برای فقه امام باید بیان کنیم فقه حکومی است و در حقیقت اگر چنان سروران من ولو اندک اندک وارد این میدان بشوند و این سفره را که حالا باز شده ان شاء الله پربارتر بشه در آینده خوب فرایندهای زیبایی ازش به هر حال گلچین خواهیم و السلام علیکم و رحمت الله.